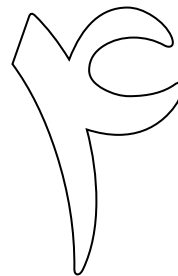


ماهیت رقابت در منطقه ژئوپولیتیکی خزر



زهرا احمدی پور*

زهرا حسینی سادات محله**

* دانشیار گروه جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس
** کارشناس ارشد جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس
تاریخ دریافت: ۹۳/۷/۸
تاریخ تصویب: ۹۴/۲/۲۶
فصلنامه روابط خارجی، سال هفتم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۴، صص ۹۳-۱۱۲.

چکیده

از سال ۱۹۹۱ به بعد، منطقه ژئوپولیتیکی خزر-دریای خزر به همراه پنج کشور کرانه‌ای آن- به دلیل دارا بودن امتیازات ژئوپولیتیکی و ژئواستراتژیکی خود مورد توجه قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای قرار گرفته است؛ اهمیت ژئوپولیتیکی خزر و جایگاه برترش در نظام ژئوپولیتیک کنونی، خزر را به صحنه‌ای از رقابت میان قدرت‌ها تبدیل کرده است. این پژوهش با رویکردی توصیفی-تحلیلی به دنبال دست‌یافتن به پاسخ این سؤالات است که قدرت‌های درگیر در رقابت در منطقه خزر از چه تاکتیک‌هایی برای رسیدن به اهداف خود استفاده می‌کنند؟ کدامیک از این تاکتیک‌ها به عنوان مهم‌ترین ابزار رقابتی در خزر توسط قدرت‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند؟ به منظور دست‌یافتن به اهداف این پژوهش، از روش مطالعه کتابخانه‌ای و روش میدانی (پرسشنامه) با نظرسنجی از خبرگان ایرانی و غیرایرانی استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که از میان تاکتیک‌های مختلف رقابت نظیر دیپلماسی، تبلیغات، ابزار اقتصادی، ابزار نظامی، قدرت، اتحاد و ائتلاف، دیپلماسی اولین تاکتیک مورد استفاده قدرت‌ها در دست‌یابی به اهدافشان در منطقه خزر است.

واژه‌های کلیدی: تاکتیک‌های رقابت، قدرت، سلطه، منطقه خزر



مقدمه

تا قبل از سال ۱۹۹۱، دریای خزر حوزه نفوذ دو کشور ایران و اتحاد جماهیر شوروی محسوب می‌شد، اما از آنجایی که در آن زمان شوروی یکی از دو قدرت برتر جهان دوقطبی محسوب می‌شد و ایران نیز به دلیل نداشتن قدرت نظامی در این دریا توان مقابله در برابر شوروی را نداشت، (به غیر از اختیاراتی که شوروی در برخی از قراردادهای نظیر قرارداد ۱۹۱۹ به ایران واگذار کرد)، این شوروی بود که عملاً توانایی تصمیم‌گیری در امور منطقه خزر را داشت. با از بین رفتن نظام دوقطبی و تغییر در ساختار جغرافیای سیاسی منطقه، روابط ژئوپولیتیکی منطقه نیز دچار تغییر شد.

در ساختار جدید روابط ژئوپولیتیکی، عملکردهای سیاسی دو قدرت ساحلی ایران و روسیه به منظور حفظ و گسترش جایگاه برترشان در منطقه و عملکرد کشورهای آذربایجان، ترکمنستان و قزاقستان در راستای پیشرفت در عرصه‌های اقتصادی و گسترش توان سیاسی و نظامی، به منظور کاهش وابستگی‌ها به روسیه و ایران، فضایی از رقابت را در خزر به وجود آورده است. در همین راستا شاهد شکل‌گیری و توسعه روابط کشورهای ساحلی با قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای هستیم. قدرت‌های منطقه‌ای نظیر ترکیه، چین و هند و قدرت‌های فرامنطقه‌ای نظیر: امریکا، ناتو، اسرائیل و اتحادیه اروپا است. روابطی که هر روز شکل جدیدی از رقابت را برای دستیابی به برتری در منطقه رقم می‌زند. این امر از یک‌سو قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را بر آن می‌دارد تا به منظور دستیابی به اهداف و منافع خود در خزر به دنبال شیوه‌های نوین هژمونی بر منطقه باشند و از سویی دیگر قدرت‌های ساحلی را و می‌دارد تا به دنبال حفظ جایگاه برتر خود در منطقه،

با کشورهای ساحلی و قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به رقابت پردازند. به منظور دست‌یابی به اهداف پژوهش، از منابع کتابخانه‌ای و اطلاعات میدانی (پرسشنامه) استفاده شده است. بدین ترتیب که ابتدا پرسشنامه طراحی و توسط تعدادی از نخبگان این رشته مورد سنجش قرار گرفته و پایایی آن نیز توسط آزمون کرون باخ با سطح بالای ۰/۷ مورد تایید قرار گرفت. سپس تعداد ۱۵۰ خبره علمی دانشگاهی ایرانی و خارجی در رشته‌های جغرافیای سیاسی، علوم سیاسی و روابط بین‌الملل و مدیریت استراتژیک و خبرگان حوزه مطالعات خزر انتخاب و پرسشنامه از طریق ایمیل برایشان ارسال شد که از این میان تعداد ۱۰۰ پرسشنامه گردآوری شد و پس از کمی‌سازی شدن، با استفاده از نرم افزار آماری اس.پی.اس.اس^۱، خروجی‌ها مورد بررسی قرار گرفته و در نهایت کار تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیات انجام گرفت.

جدول ۱. آلفای کرون باخ

تعداد گویه‌ها	آلفای کرون باخ	تاکتیک‌های رقابت
۶	۰,۷۰۴	

میزان آلفای کرون باخ بیشتر از ۰/۷ بوده است و در واقع اتفاق نظر خبرگان در مورد تأیید تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیرهای وابسته، با مقادیر آلفای کرون باخ ثابت شده است.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها از طریق دو آزمون زیر انجام شده است:
الف) آزمون تشخیص میزان تأثیر متغیرهای مستقل بر روی متغیرهای وابسته به وسیله آزمون تک نمونه‌ای^۲، به این صورت که اگر میانگین هرمتغیر مستقل از حد معینی بیشتر بود، آن متغیر در پدیده موردنظر مؤثر تلقی می‌شود. در واقع با این آزمون مشخص می‌شود که آیا مقادیر به دست آمده بیشتر یا کمتر از میزان استاندارد بوده است. از آنجایی که شیوه پرسشنامه براساس طیف لیکرت بوده است، بنابراین حد معین (استاندارد) عدد ۳ خواهد بود.

1. SPSS

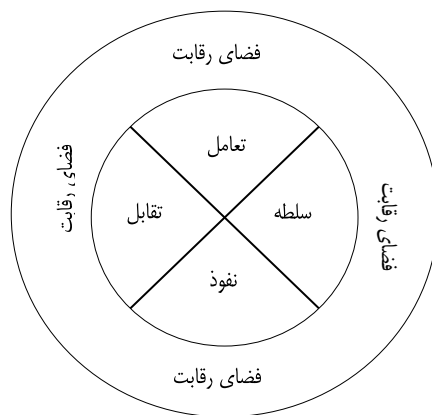
2. One-Sample T Test

ب) آزمون مقایسه میانگین چند جامعه آماری،^۱ برای مقایسه میانگین دو یا چند جامعه و برای نشان دادن وجود تفاوت‌های معنادار به صورت دو به دو، بین گروه‌های مختلف از این آزمون استفاده می‌شود. از آزمون توکی^۲ برای رتبه‌بندی بین متغیرهای مستقل استفاده می‌کنیم.

۱. چهارچوب مفهومی و پژوهشی

مناقشه یا مسابقه میان دو نظام حکومتی یا دو کشور در فضای جغرافیایی خارج از مرزهایشان، در هر بخشی از جهان سیاسی برای پیشی گرفتن از یکدیگر بهترین جلوه‌گاه "رقابت" است (مجتهدزاده، ۱۳۹۱: ۱۱۰). رقابت به مجموعه تلاش‌ها و فعالیت‌هایی اطلاق می‌شود که با هدف کسب برتری در زمینه خاص بین بازیگران درگیر در رقابت انجام می‌گیرد (حافظنیا، ۱۳۸۵: ۳۷۰).

در نظریات جغرافیای سیاسی و ژئوپولیتیک، رقابت یکی از سطوح مختلف روابط ژئوپولیتیکی در نظر گرفته شده است. در این نظریات روابط ژئوپولیتیکی قدرت‌ها به چند سطح روابط تعاملی، رقابتی، تقابلی، نفوذ و سلطه تقسیم می‌شود. در این دیدگاه، رقابت بر پایه برابری نسبی قدرت بین بازیگران شکل می‌گیرد. بازیگران براساس منافع متعارض با هم رقابت می‌کنند تا حریف و رقیب را از دستیابی به فرصت‌ها بازدارند. از دید نویسندگان تمامی روابط ژئوپولیتیکی به صورت یک طیف، در بستری از رقابت شکل می‌گیرد. در واقع رقابت بستر و زمینه شکل‌دهنده به هر نوع رابطه ژئوپولیتیکی است. حتی در مسالمت‌آمیزترین شکل آن نیز که رابطه تعاملی است، هرکدام از طرفین در رقابت برای دستیابی به منافع بیشتر هستند.



مدل مفهومی روابط ژئوپولیتیکی
از نگارنده گان

از زمان پیدایش دولت مدرن، وجود عناصر رقابت میان دولت‌ها همواره یکی از مؤلفه‌های اساسی در روابط بین کشورها بوده است؛ این رقابت بر سر عواملی صورت می‌گیرد که دستیابی به آن می‌تواند منجر به افزایش قدرت یک طرف و کاهش قدرت طرف دیگر شود. به طور کلی در بررسی دیدگاه‌هایی مربوط به ریشه‌ها و علت‌های ریشه‌ای رقابت بین کشورها و ملت‌ها در عرصه جهانی، می‌توان از دو دیدگاه یاد کرد: نخست الگوی ایدئولوژیک که در بروز رقابت بین قدرت‌های جهانی در قرن بیستم و سده‌های پیش از آن بوده است. به نظر می‌رسد با پایان دوران جنگ سرد، این دیدگاه کمتر می‌تواند رویکردی قابل پذیرش برای درک سرنوشت رقابت در جهان کنونی باشد. الگوی دیگر الگوی عقلانی رقابت و درگیری است که ماهیت رقابت را بین قدرت‌ها و کشورها بر پایه منافع ملموس و مادی همچون دسترسی به منابع طبیعی، انرژی، موقعیت ژئواستراتژیک یک منطقه تبیین می‌کند. بنابراین از دیدگاه الگوی عقلانی، رقابت در عصر جدید دارای محتوای کاملاً ملموس، عینی و ژئوپولیتیک است. در این رویکرد واقع‌گرایانه، تصمیم درست در سیاست خارجی منوط به شناخت دقیق شرایط ژئوپولیتیکی است (احمدی‌پور و لشگری، ۱۳۸۹: ۲). کانون‌های رقابت، مکان‌ها و فضاها، جغرافیایی هستند که به واسطه دارا بودن ویژگی‌هایی چون منابع انرژی و معدنی، قراردادن

بر سر مسیرهای مواصلاتی (ویژگی ژئواستراتژیکی) و امکان دسترسی به بازارهای بین‌المللی و... مورد توجه قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی قرار گرفته و به محل تلاش قدرت‌ها برای دستیابی به قدرت بیشتر و در نهایت سلطه تبدیل شده‌اند. کانون‌های رقابت در واقع همان مناطق ژئوپولیتیک هستند که در نظریه‌های ژئوپولیتیک‌ها مورد توجه قرار گرفته است. رقابت برای کسب برتری در مناطق ژئوپولیتیک با استفاده از شیوه و ابزارهایی صورت می‌گیرد که با توجه به شرایط ژئوپولیتیک منطقه و دیپلماسی قدرت‌ها متغیر است. در واقع تاکتیک‌ها فنون عملی برای دستیابی به اهداف هستند؛ ابزارهای مورد استفاده کشورها برای دستیابی به اهداف و منافع خود در سطح منطقه‌ای و جهانی. ابزارهایی که به واسطه میزان قدرتمندی کشورها متفاوت است. تاکتیک‌های رقابتی قدرت‌ها را از دید ژئوپولیتیک و روابط بین‌الملل می‌توان به موارد زیر دسته بندی کرد:

جدول ۲. تاکتیک‌های رقابت از دید ژئوپولیتیک و روابط بین‌الملل

روابط بین‌الملل	ژئوپولیتیک
دیپلماسی	۱- دیپلماسی
۲- ابزار اقتصادی	۲- تحریم‌ها و محاصره‌های اقتصادی، سیاسی و...
۳- ابزار نظامی	۳- جنگ و درگیری فیزیکی
۴- تبلیغات	۴- اتحاد و ائتلاف
---	۵- قدرت

منبع: تدوین از نگارندگان

رقابت قدرت‌ها بر روی منابع کشورهای کوچک از طریق مذاکره و قدرت سیاسی و حمایت و نیز از طریق اقدامات اجباری و زور صورت می‌گیرد (Zimmitskaya & Geldern, 2011: 1). انتخاب ابزارها و تکنیک‌های در دسترس قدرت‌ها، به قابلیت در دسترس بودن توانایی‌های مناسب بستگی دارد. دولتی که از لحاظ نظامی ضعیف است، طبیعتاً می‌خواهد روابط خارجی خود را به کمک ابزارها و تکنیک‌های غیرنظامی گسترش دهد؛ دولتی که از لحاظ اقتصادی ضعیف است، مسلماً در انتخاب ابزارها و تکنیک‌های اقتصادی محدودیت دارد و... با این حال انتخاب، بنا به میل دولت صورت نمی‌گیرد، بلکه با ارزیابی معقول ایستارهای آن نسبت به طرف دیگر و وضع قدرت آن به عمل می‌آید. در محیط بین‌المللی تأثیرگذاری‌های

گريزناپذيري پديدار مي‌شوند و رقابت‌ها و فرصت‌طلبي‌ها در هر زمينه با گذشت زمان تغيير مي‌يابد. رسوم بين‌المللي و قواعد بازي حاکم بر کنش و واکنش بين‌المللي بي‌تحرک نيست (فرانکل، ۱۳۸۲: ۱۶۵-۱۶۶). سه تاکتيک ابزار ديپلماسي، ابزار اقتصادي (با عنوان محاصره‌ها و تحريم‌هاي اقتصادي و سياسي) و ابزار نظامي (با عنوان جنگ و درگيري فزيکي)، در بين نظريه‌پردازان ژئوپوليتيک و روابط بين‌الملل مشترک است. از ديد روابط بين‌الملل، تبليغات روشي است که کشورها با تأثيرگذاري بر اذهان ملت از آن براي رسيدن به اهداف خود سود مي‌جويند؛ چيزي که امروزه از آن با عنوان "جنگ نرم" ياد مي‌شود. از ديد ژئوپوليتيسين‌ها، صرف‌بالا بودن قدرت ملي يک کشور مي‌تواند عاملي در جهت پيشبرد اهداف آن کشور و نيز عاملي بازدارنده در مقابل نيات سوء ساير کشورها باشد. اتحاد و يا ائتلاف روشي است که به واسطه رابطه تعامل و همکاري بين کشورها با يکديگر و با ساير بازيگران بين‌المللي شکل مي‌گيرد.

ديپلماسي: ابزار اصلي سياست خارجي کشورها است و تاکتيک‌هاي مذاکره، سلاح اصلي ديپلمات در به کارگيري اين ابزار اصلي به شمار مي‌رود. کميت و کيفيت روابط سياسي هر کشور زاييده مجموعه‌اي از عوامل قدرت نظير پيشرفت اقتصادي، ايدئولوژي، جمعيت، نوع و سيستم حکومت، جغرافيا، تاريخ و فرهنگ است (دبيري، ۱۳۷۴: ۴).

تبليغات: کوششي است منظم براي تأثيرگذاري بر اذهان، احساسات و اقدامات گروه معين به خاطر مقصود همگاني خاص. تبليغات بيشتتر خطاب به مردم دولت‌هاي ديگر است تا به حکومت آنها و منحصرآ منافع ملي تبليغ‌گر بر آن حاکم است و براي سازش بين منافع ملي کشورهای رقيب کوششي صورت نمي‌گيرد (فرانکل، ۱۳۸۲: ۱۸۰-۱۸۲).

ابزارهاي اقتصادي: دولت‌داري با استفاده از ابزار اقتصادي عبارت است از هر عمل سياسي که از ابزار اقتصادي براي حصول رفتار سازگار از سوي کنشگر مقصد استفاده مي‌کند. کاربرد آن مترادف با مفهوم رابطه قدرت است (ايوانز و نونام، ۱۳۸۱: ۲۲۸). تحريم‌ها در ابعاد اقتصادي با استفاده از ابزارهاي اختصاصي کشور و يا اهرم‌ها و فرصت‌هاي بين‌المللي (نظير شوراي امنيت)، مي‌تواند امکان تحقق

اهداف کشورها را فراهم کند.

توان نظامی: قدرت نظامی یک کشور همچون عوامل تولید ثروت، قابل اندازه‌گیری نیست؛ در عین حال از اهمیت خاصی برخوردار است که ناشی از توجه دولت‌ها به مسئله امنیت و ثبات است. تا زمانی که کشورهای مختلف با اهداف متضاد وجود دارند و تا زمانی که نیروی نظامی وسیله‌ای برای دسترسی به مقاصد سیاسی باشد، توسل به زور وجود خواهد داشت (عزتی، ۱۳۸۴: ۹۸-۲۲)؛ اما در آخرین مرحله از رقابت، جنگ تنها سلاح مطلوب خواهد بود.

اتحاد و ائتلاف: استراتژی تقویت امکانات و توانایی‌ها و قدرت از طریق ترکیب امکانات چند واحد سیاسی و یا کشور است. پیمانی است جمعی که تمامی اعضا متعهد به همکاری و مساعدت برای دستیابی به اهداف یکدیگر هستند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۹: ۱۳۳).

۲. یافته‌های پژوهش

یافته‌های کتابخانه‌ای: دریای خزر از دیرباز به واسطه جایگاه جغرافیای سیاسی و ژئواکونومیکی خود، پیوندی بین آسیای مرکزی و منطقه قفقاز ایجاد کرده و همواره نقش پراهمیتی در سیر رویدادهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ایفا کرده است؛ نقشی که با تلفیق دو مؤلفه انرژی و امنیت پررنگ‌تر هم شده است. کشورها و قدرت‌های درگیر در منطقه خزر به واسطه عوامل مؤثر بر رقابت در خزر، از سویی با یکدیگر در رابطه دوسویه تعاملی بوده و از سوی دیگر با یکدیگر بر سر منافع خود در خزر، دارای روابط یک‌سویه رقابتی هستند. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، کشورهای آسیای مرکزی به خوبی در جامعه بین‌المللی شناخته شده‌اند و نقش خود را در چشم‌انداز اقتصادی و سیاسی بین‌المللی افزایش داده‌اند (Zabortseva, 2012: 170). بیشترین منابع نفت و گاز حوزه دریای خزر متعلق به آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان است. بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی این کشورهای تازه استقلال یافته برای صادرات تولیدات انرژی خود به شبکه خط لوله شوروی وابسته شدند. روسیه به دلیل دارا بودن موقعیت مرکزی در خط لوله شوروی، به عنوان یک بازیگر مهم باقی مانده است و این وابستگی کشورهای ساحلی دریای خزر به خط

لوله شوروی، به ابزار مهمی در سیاست خارجی روسیه تبدیل شده است؛ اصطلاح خارج نزدیک یا همان سیاست حفظ نفوذ. بر این اساس روسیه موفق به متقاعد ساختن قزاقستان برای ساخت اولین خط لوله صادرات نفت پس از فروپاشی از طریق خاک روسیه شد. هرچند پس از چندین سال با لابی‌های فشرده توسط ایالات متحده، جمهوری آذربایجان اولین خط لوله پس از فروپاشی شوروی را جهت صادرات نفت خود و اجتناب از مسیر روسیه، از طریق گرجستان به ترکیه ساخت (Heinrich & Pleines, 2015: 110). ترکمنستان مهم‌ترین منابع گازی را در حوزه خزر در اختیار دارد و قزاقستان بیشترین منابع نفتی را نسبت به آذربایجان و ترکمنستان در دریای خزر داراست. روسیه به‌عنوان یک قدرت بزرگ ژئوپولیتیک، به مقابله مؤثر با نفوذ رو به رشد نیروی ناتو و اتحادیه اروپا به مناطق قوت استراتژیک خود می‌پردازد و با وجود ضعف نسبی در قدرت اقتصادی، این کشور مجبور است رهبری فعلی خود را با تمرکز بر انرژی به عنوان یک منبع رشد اقتصادی و اهرم سیاست خارجی تثبیت کند (Baev, 2012: 179).

از میان کشورهای حوزه خزر، روسیه و جمهوری آذربایجان روابط امنیتی پیچیده‌تری دارند که به نظر می‌رسد این مسئله بر روی روابط انرژی آنها تأثیر گذاشته است. جمهوری آذربایجان عضوی از مشارکت برای صلح ناتو^۱ است و از پیوستن به سازمان پیمان امنیت جمعی روسیه^۲ خودداری کرده است (Smith Stegen & Kuszniir, 2015: 95). برخلاف روسیه که به دنبال نفوذ بیشتر و تثبیت مواضع در حوزه‌های نفوذ خود است (مناقشه قره‌باغ)، جمهوری آذربایجان روابط انرژی با اروپا و ترکیه و نیز همکاری با ایران را گسترش داده است (Khatinoglu, 2014). سیاست خارجی روسیه در قبال غرب عمدتاً همراه با تغییر سیاست‌های غرب در قبال روسیه است. مناسبات روابط بین آمریکا و روسیه در زمان پوتین حاکی از این بوده که سیاست خارجی روسیه در دوران ریاست جمهوری ولادیمیر پوتین، منجر به کاهش کمی و کیفی نسبی طرح‌های همکاری بین ایالات متحده و روسیه بوده است (Kasymov, 2012: 58). ایران در میان قدرت‌های منطقه‌ای یک بازیگر بسیار مهم است، اگرچه به دلیل بروز

1. PFP

2. CSTO



مشکلات در حل و فصل وضعیت حقوقی دریای خزر توسط ایرانیان سرزنش شده است. فعالیت‌های ایران در منطقه خزر به حوزه خارج از اکتشاف محدود شده است. همچنین تهدید امریکا و تحریم‌های سرمایه‌گذاری بزرگ خارجی بر مشکلات ایرانی‌ها افزوده است. با این حال، ایرانی‌ها تلاش کرده‌اند با «سیاست خط لوله» و همکاری دیگر کشورهای دریای خزر، به منظور توسعه یک مسیر صادرات جنوبی که ایرانی‌ها استدلال می‌کنند کم‌هزینه‌تر از هرگزینه دیگری است، به اهمیت نقش خود در منطقه بیافزایند (Kubicek, 2013: 7). رقابت بازیگران خارجی با تلاش کشورهای ساحلی برای کسب مزایای بیشتر از انتقال انرژی این دریاچه درهم آمیخت. نیازهای روزافزون جهان صنعتی به منابع انرژی سبب شد تا توجه جهانی به منابع انرژی دریای خزر از روند سریع برخوردار شود. به این ترتیب آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان در شرایط پس از فروپاشی اتحاد شوروی در پی کسب درآمدهای صادرات منابع انرژی به تلاش پرداختند و ایران و روسیه در پی حفظ موقعیت خود اقداماتی را انجام دادند (کولایی، ۱۳۸۶-۱۳۸۷: ۳). فراتر از آنچه در ورای ژئوپولیتیک نفت و گاز خزر - آسیای مرکزی روی داده، امضای شمار زیادی قرارداد سرمایه‌گذاری در منطقه است که براساس آن ایالات متحده توانسته ادعای داشتن منافع واقعی را در منطقه پیش کشد تا بتواند از خلاء ژئوپولیتیک برجای مانده از شوروی یاری گرفته و حرف آخر را در امور منطقه از آن خود سازد و در این راستا از عدم موفقیت ایران در زمینه توافق با ۴ کشور ساحلی در تعیین رژیم حقوقی دریای خزر بهره جست تا از راه گسترش ناتو به سوی خزر - آسیای مرکزی، آرام آرام به سوی ترتیبات امنیتی ویژه خود در منطقه حرکت کند.

دخالت ایالات متحده امریکا در دریای خزر به اوایل دهه ۱۹۹۰ برمی‌گردد، یعنی زمانی که شرکت‌های انرژی امریکا علاقه‌مند به بهره‌برداری از منابع نفتی غیر اوپک شدند. ایالات متحده امریکا متوجه شد که می‌تواند با حمایت از خطوط لوله‌ای که ایران و روسیه را دور می‌زند، از نفوذ این دو کشور جلوگیری کند. به گونه‌ای که ایالات متحده در چهارچوب یک طرح کلی جایگزین به منظور صادر کردن نفت و گاز خزر در مسیرهای باکو - جیهان از طریق گرجستان و ترکیه، مسیر ترکمنستان - پاکستان از طریق افغانستان، مسیر گرجستان - روسیه از طریق چین



و نیز ترکمنستان و آذربایجان سرمایه‌گذاری‌های بسیاری انجام داده است. در بحث مسیرهای حمل‌ونقل انرژی، خطوط لوله ویژه کلید اصلی مبحث ژئوپولیتیک منطقه خزر است. ایالات متحده آمریکا و چندین کشور اروپایی تلاش کرده‌اند پروژه‌های انتقالی که انرژی خزر را از طریق کریدور انرژی شرق - غرب از خاک روسیه می‌گذرد را کاهش دهند؛ مانند بی.تی.اس^۱ که اولین بخش این مسیر است. هرچند روسیه از این قدرت استفاده کرده است تا تقریباً صادرات همه انرژی آسیای مرکزی را تحت کنترل خود حفظ نماید (Guliyev, 2009: 2). در مجموع از دید روسیه حضور آمریکا در اوراسیا و اتحاد جماهیر شوروی سابق به صورت مجموعه تلاش‌هایی تلقی می‌شود که ایالات متحده سعی دارد از طریق آن حس جاه‌طلبی خود را از طریق محدود کردن روسیه در مناطق استراتژیک تأمین کند (Giusti & Penkova, 2008: 19).

در حالی که از دید برخی از کارشناسان ایرانی و خارجی، مسیر ایران می‌تواند بهترین راه برای انتقال انرژی محسوب شود، دکتر مجتهدزاده معتقد است: «از دیدگاه اقتصادی، لوله‌کشی کردن نفت و گاز منطقه خزر - آسیای مرکزی به دنیای خاور و بازارهای جدید مصرف در هند و چین و همچنین به دنیای باختر از راه سرزمین‌های ایرانی، بدون تردید، عملی‌ترین راه قابل رقابت ساختن بهای نفت و گاز صادراتی این منطقه است. راه ایران به اروپا و آمریکا کوتاه‌ترین، امن‌ترین و ارزان‌ترین گزینه را میان راه‌های صادراتی گوناگون برای صادر کردن کالای انرژی‌زای منطقه در اختیار دارد» (مجتهدزاده، ۱۳۸۷: ۲۳). هرچند ایران می‌توانست با استفاده از شبکه خط لوله ایران و تاسیس امکانات در بندر خلیج فارس ساده‌ترین مسیر صادرات نفت از دریای خزر باشد، با این حال ایران به دلایل سیاسی توسط ایالات متحده به حاشیه رانده شد و از سوی دیگر همچنین عدم همکاری ایران در مورد وضعیت حقوقی دریای خزر، مانع اکتشاف منابع و همچنین برنامه‌ای برای صادرات دریای خزر از طریق خط لوله ترکمنستان و قزاقستان به غرب شده است (Heinrich & Pleines, 2015: 110).

به نظر می‌رسد در شرایط کنونی چین از مهم‌ترین قدرت‌های خارجی در خزر باشد؛ چین میلیاردها دلار سرمایه‌گذاری در این منطقه انجام داده است و این سرمایه‌گذاری در بیشتر بخش‌ها مورد استقبال کشورهای حاشیه خزر شده است. همچنین این کشور در حال حاضر اصلی‌ترین شریک تجاری قزاقستان و ترکمنستان است. همچنین آذربایجان نیز در برخی موارد از سرمایه‌گذاری چین استقبال کرده است (Standish, 2014).

یافته‌های میدانی: در فرضیات تحقیق پرسش ۱ این است که آیا تمامی تاکتیک‌های رقابتی در فضای رقابتی خزر وجود دارند؟ و در پاسخ به این پرسش فرض ۱ این است که تمامی ابزارهای رقابت در شکل دادن به رابطه رقابتی در خزر تأثیر داشته باشد.

در آزمون فرض ۱ باید به بررسی تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته پرداخت. در این مرحله با استفاده از آزمون تک نمونه‌ای انجام می‌پذیرد تا با مقایسه میانگین متغیرهای مستقل با استاندارد یا تعیین ارزش^۱، تأثیر یا عدم تأثیر هر یک از متغیرهای مستقل (ابزارهای رقابت) بر متغیر وابسته (رابطه یا فضای رقابتی) مشخص شود. از آنجایی که این پرسشنامه‌ها براساس طیف لیکرت طرح شده عدد استاندارد عدد ۳ است. بنابراین در صورتی که هر کدام از متغیرها از عدد ۳ بزرگ‌تر باشد بر فضای رقابتی خزر تأثیر دارد.

فرض H_0 = میانگین تمامی متغیرهای مستقل مساوی با عدد ۳ است.

فرض H_1 = میانگین تمامی متغیرهای مستقل بالاتر از عدد ۳ است.

جدول ۳. آزمون تک نمونه‌ای برای تاکتیک‌های رقابت

انحراف معیار	میانگین	فراوانی						گویه‌ها
		فراوانی کل	خیلی زیاد	زیاد	تاحدودی	کم	خیلی کم	
۶۷۳۵۳.	۳,۹۷۰۰	۱۰۰	۲۱	۵۵	۲۴	--	--	دیپلماسی
۹۵۰۲۳.	۳,۱۹۰۰	۱۰۰	۸	۳۲	۳۱	۲۹	--	ابزار اقتصادی
۷۵۲۱۰.	۳,۸۰۰۰	۱۰۰	۱۶	۵۲	۲۸	۴	--	توانایی نظامی
۹۳۷۶۵.	۳,۳۶۰۰	۱۰۰	۸	۴۴	۲۴	۲۴	--	قدرت
۱,۱۷۲۰۷	۳,۴۰۰۰	۱۰۰	۱۶	۴۰	۲۰	۱۶	۸	اتحاد و ائتلاف
۱,۱۴۵۹۲	۳,۲۰۰۰	۱۰۰	۸	۴۵	۱۴	۲۵	۸	تبلیغات

جدول شماره ۳ نشان می‌دهد که تمامی تاکتیک‌های رقابتی با داشتن میانگینی بالای ۳ در رابطه رقابتی منطقه خزر موثرند. با پذیرش این مطلب، فرض H_0 که حکایت از مساوی بودن میزان میانگین‌ها با عدد ۳ دارد، رد می‌شود. بنابراین می‌توان گفت که فرض اول ما مبنی بر اینکه تمامی تاکتیک‌های رقابت بر فضای رقابتی بر منطقه خزر تأثیر دارند، پذیرفته می‌شود.

پرسش ۲ این است که آیا تفاوتی بین میزان تأثیر هر یک از تاکتیک‌ها بر رابطه رقابتی در منطقه خزر وجود دارد؟ مؤثرترین تاکتیک‌های رقابتی کدامند؟ در پاسخ به این پرسش، فرض ۲ این است که بله به نظر می‌رسد تفاوت وجود دارد و از میان تاکتیک‌های رقابتی، موارد زیر: الف) ابزارهای نظامی - تسلیحاتی؛ و ب) قراردادهای اقتصادی - تجاری، مؤثرترین تاکتیک‌ها در روابط رقابتی منطقه خزر هستند.

در آزمون فرض ۲ باید به تعیین تاکتیک‌هایی مؤثر بر رقابت در منطقه خزر توجه شود. از میان تاکتیک‌های رقابتی که توسط کشورها، دولت‌ها و بازیگران سیاسی در عرصه سیاست خارجی اتخاذ می‌شود، تاکتیک‌های زیر در عرصه رقابتی خزر مورد سنجش قرار گرفت تا تاکتیک‌های مؤثر بر این روابط و میزان تأثیر هر کدام مشخص شود.

جدول ۴. تاکتیک‌های رقابت

تاکتیک‌های رقابت					
۶	۵	۴	۳	۲	۱
اتحاد و ائتلاف	قدرت	ابزار نظامی	ابزار اقتصادی	تبلیغات	دیپلماسی

آزمون مقایسه میانگین چند جامعه آماری^۱: به وسیله این آزمون ابتدا تفاوت یا عدم تفاوت در میزان تأثیر متغیرهای مستقل بر روی متغیر وابسته مشخص شده و سپس متغیرهایی که بیشترین و کم‌ترین تأثیر را در متغیر وابسته دارند بررسی می‌شوند.

فرض H_0 = تفاوت معناداری بین میزان تأثیر هر یک از تاکتیک‌های رقابت بر رابطه رقابتی در منطقه خزر وجود ندارد.

فرض H_1 = حداقل بین میزان اثر یکی از تاکتیک‌ها با سایر تاکتیک‌های رقابت

در منطقه خزر، تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۵. تحلیل واریانس میزان تأثیرگذاری هریک از تاکتیک‌های رقابتی

ارزش عددی گویه‌ها از دید خبرگان					
سطح معناداری (sig)	F	مجموع مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	
۰۰۰.	۱۲,۲۷۵	۱۱,۵۶۷	۵	۵۷,۸۳۳	واریانس بین گروهی
		۰,۹۴۲	۵۹۴	۵۵۹,۷۴۰	واریانس درون گروهی
			۵۹۹	۶۱۷,۵۷۳	کل

در جدول شماره ۵ که حاصل آزمون توکی از مجموعه آزمون‌های مقایسه میانگین چند جامعه آماری است، سطح معناداری صفر و کوچک‌تر از سطح آلفای ۰/۵۰ است که در این حالت می‌توان گفت که فرض H_0 که همان عدم وجود تفاوت در متغیرهای مستقل است، مورد پذیرش نیست و با قبول فرض H_1 می‌پذیریم که تفاوت معنی‌داری بین میزان تأثیر هریک از تاکتیک‌های رقابت بر رابطه رقابتی در خزر وجود دارد. در این مرحله با استفاده از خروجی‌های جدول گروه‌های همگن از آزمون توکی، متغیرهای مستقل که همان تاکتیک‌های رقابت هستند، به ترتیب اهمیت و تأثیرشان رتبه‌بندی می‌شوند.

جدول ۶. گروه‌های همگن

ارزش عددی گویه‌ها از دید خبرگان			
		آزمون توکی	
Subset for alpha = 0.05		فراوانی	تاکتیک‌های رقابت
۲	۱		
	۳,۱۱۰۰	۱۰۰	ابزار اقتصادی
	۳,۲۰۰۰	۱۰۰	تبلیغات
	۳,۳۶۰۰	۱۰۰	قدرت
	۳,۴۰۰۰	۱۰۰	اتحاد و ائتلاف
۳,۸۰۰		۱۰۰	توانایی نظامی
۳,۹۷۰۰		۱۰۰	دیپلماسی
۰,۸۱۸	۰,۲۸۲		سطح معنی‌داری

براساس آمارهای جدول ۶، تاکتیک‌های رقابتی مؤثر در خزر در دو گروه جای گرفته‌اند که در گروه اول به ترتیب اولویت چهار دسته از تاکتیک‌های اتحاد و ائتلاف، قدرت، تبلیغات و ابزار اقتصادی با دارا بودن میانگین‌های نزدیک به هم، اهمیت تقریباً یکسانی در رقابت در منطقه خزر دارند، اما درجه اهمیتشان به تناسب

کم تر از گروه دوم است. گروه دوم یعنی ابزار نظامی و دیپلماسی، با دارا بودن میانگین‌هایی بالاتر از گروه اول، در درجه اول اهمیت و کاربرد قرار دارند و به تبع نقش مهم‌تری را در روابط رقابتی منطقه خزر ایفا می‌کنند. با توجه به نتایج حاصل شده از این آزمون می‌توان تأیید یا رد فرض ۲ تحقیق را سنجید. فرضیه ۲ تحقیق: از میان تاکتیک‌های رقابتی، موارد زیر: الف) ابزارهای نظامی - تسلیحاتی؛ و ب) قراردادهای اقتصادی - تجاری، مؤثرترین تاکتیک‌ها در روابط رقابتی منطقه خزر است.

همان‌گونه که مشاهده شد، خروجی‌های آزمون میانگین‌ها حکایت از این دارد که بخشی از فرض دوم یعنی بخش الف که برای ابزارهای نظامی - تسلیحاتی نقش مهمی در منطقه خزر قائل است، تأیید می‌شود؛ اما بخش دوم فرض رد می‌شود. خروجی‌های آماری نشان از اهمیت بیشتر نقش تاکتیک‌های دیپلماسی و ابزار نظامی - تسلیحاتی، به نسبت سایر عوامل دارد. یعنی دیپلماسی در درجه اول اهمیت و کاربرد قرار دارد و پس از آن ابزار نظامی و تسلیحاتی مؤثرترین تاکتیک مورد استفاده در فضای رقابتی کنونی است.

۳. تجزیه و تحلیل و نتیجه‌گیری

با توجه به یافته‌های تحقیق، از دید خبرگان مهم‌ترین تاکتیک مورد استفاده و مهم در فضای رقابتی خزر، استفاده از دیپلماسی است. استفاده از ابزار نظامی دومین شیوه مهم و مؤثر در رقابت است و تاکتیک‌های دیگر رقابتی (به ترتیب شامل: اتحاد و ائتلاف، قدرت و تبلیغات و ابزار اقتصادی) در درجه بعدی اهمیت قرار دارند. آنچه که از نتایج آزمون‌ها مشخص می‌شود و توجه به آن ضروری است، این که نتایج حاصل از مطالعات کتابخانه‌ای در زمینه فضای حاکم بر منطقه خزر، با نتایج حاصل از تحلیل آزمون‌های آماری برگرفته از نظرات کارشناسان و خبرگان همسویی ندارد. بدین صورت که توجه به روابط و مناسبات شکل گرفته در خزر مؤید این مطلب است که در فضای رقابتی خزر، غلبه با ابزارهای اقتصادی و نظامی است و این تاکتیک در اولویت نسبت به سایر تاکتیک‌ها است، اما نتایج آماری حاصل از دیگاه‌های کارشناسان علمی، دیپلماسی را در اولویت تاکتیک‌های رقابتی

قرار می‌دهد.

بررسی تطبیقی نتایج حاصل از مطالعات کتابخانه‌ای و تحلیل‌های آماری حاصل از نظرسنجی از خبرگان مؤید این مطلب است که در منطقه‌ای که استفاده از ابزار اقتصادی - عقد پیمان‌های اقتصادی و تجاری - مرتبط با منابع انرژی به ابزاری برای حضور و نفوذ بیشتر کشورها و به ویژه قدرت‌های فرامنطقه‌ای شده است. از دیدگاه کارشناسان، دیپلماسی مهم‌ترین روش رقابت در خزر شناخته می‌شود؛ تناقضی که نمونه بارز آن را می‌توان در عدم به کارگیری دیپلماسی صحیح توسط ایران در مسئله جغرافیای سیاسی منطقه و عدم تعیین مرزهای سیاسی کشورهای ساحلی دریای خزر دانست؛ که این مسئله را به عاملی بسیار مهم در ایجاد و تداوم مناقشات خزر تبدیل کرده است.

با نگاهی به مناسبات شکل گرفته بین کشورهای ساحلی خزر و کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، می‌توان متوجه شد وجود احساس ناامنی و ترس از همسایگان قدرتمند و تلاش در جهت کسب و حفظ استقلال و امنیت، پای قدرت‌های منطقه‌ای را به خزر گشوده است. مناسباتی که نه تنها به امنیت و استقلال منتهی نشد، بلکه سیاست خارجی کشورهای ساحلی را در گرو نیاز به توسعه اقتصادی و کمک‌های مالی قرارداد. در این شرایط حفاظت از شرایط داخلی کشور در مقابله با دخالت خارجی، دشوار خواهد بود. شاید در شرایط کنونی این کشورها از لحاظ اقتصادی زیاد فقیر و وابسته نباشند، اما از لحاظ سیاسی باید دنباله‌رو قدرت‌هایی چون ایالات متحده باشند.

همچنین محصول بهره‌گیری از تاکتیک‌های رقابتی بین قدرت‌های درگیر، فضایی پر از چالش و تنش به ویژه برای کشورهای ساحلی منطقه خزر به وجود آورده است که نمونه بارز آن انزوای کشورهای ساحلی خزر - به ویژه ایران - است. شکل‌گیری پیمان‌های تسلیحاتی و نظامی به ویژه اجرای مانورهای تسلیحاتی با حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای که به دلیل عدم وجود همگرایی‌های منطقه‌ای در خزر شکل گرفته است، از سویی با هدف دور نگه داشتن کشورهای ساحلی از مسائل امنیتی خزر - به ویژه ایران و روسیه - شکل می‌گیرد و از سویی دیگر، به تشدید فضای ناامن در خزر منجر می‌شود.

وجود منابع انرژی و آبرزی و همچنین ویژگی‌های جغرافیایی کشورهای منطقه -موقعیت استراتژیک، موقعیت بری و بحری و... - در سایه عدم وجود دیپلماسی صحیح، عدم شکل‌گیری همگرایی‌های منطقه‌ای با حضور تمامی کشورهای ساحلی را منجر شده و به مناقشات سیاسی و استراتژیک در زمینه ژئوپولیتیک لوله‌های نفتی و ژئوپولیتیک دسترسی، دامن زده است؛ مسئله‌ای که منافع کشورهای ساحلی را با خطر مواجه کرده است. تلاش برای دست‌یافتن به یک همگرایی منطقه‌ای با حضور تمامی کشورهای ساحلی خزر، شاید راهکار برون رفت از این مشکل باشد و این امر محقق نخواهد شد مگر به واسطه دیپلماسی صحیح.

منابع

الف) فارسی

- احمدی پور، زهرا. لشگری، احسان. ۱۳۸۹. چالش ژئوپولیتیک ایران در بهره‌برداری از منافع خود در خزر، *مطالعات اوراسیای مرکزی*، سال ۳، شماره ۶.
- ایوانز، گراهام. نونام، جفری. ۱۳۸۱. *فرهنگ روابط بین‌الملل*، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران: میزان.
- حافظ‌نیا، محمدرضا. ۱۳۸۵. *اصول و مفاهیم ژئوپولیتیک*، مشهد: انتشارات پاپلی.
- حافظ‌نیا، محمدرضا. ۱۳۸۹. *قدرت و منافع ملی*، تهران: نشر انتخاب.
- دبیری، محمدرضا. ۱۳۷۴. *دیپلماسی کاربردی و رویه‌های دیپلماتیک*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی وزارت خارجه.
- عزتی، عزت‌الله. ۱۳۸۴. *ژئواستراتژی*، تهران: سمت.
- فرانکل، جوزف. ۱۳۸۲. *روابط بین‌الملل در جهان متغیر*، ترجمه: عبدالرحمان عالم، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- کولایی، الهه. ۸۷-۱۳۸۶. *ژئوپولیتیک انتقال نفت از قفقاز، دو فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی*، سال اول، شماره ۱.
- مجتهدزاده، پیروز. ۱۳۹۱. *فلسفه و کارکرد ژئوپولیتیک (مفاهیم و نظریه‌ها در عصر فضای مجازی)*، تهران: سمت.
- مجتهدزاده، پیروز. ۱۳۸۷. *امنیت آسیای جنوب باختری در ژئوپولیتیک قرن بیست‌ویکم، مطالعات اوراسیای مرکزی*، سال اول، شماره ۲.

ب) انگلیسی

- Baev, Pavel K. 2012. «From European to Eurasian Energy Security: Russia Needs and Energy Perestroika», *Journal of Eurasian Studies*. No. 3, pp. 177-184.
- Giusti, Serena & Penkova, Tomislava. 2008. Russia: Just a Normal Great Power? *ISPI*, Issue 34.
- Guliyev, Farid & Akhrarkhodjaeva, Nozima. 2009. The Trans-Caspian Energy

- Route: Cronyism, Competition and Cooperation In Kazakh Oil Export, **Energy Policy**, No. 37.
- Heinrich, Andreas & Heiko Pleines. 2015. Mixing Geopolitics and Business: How Ruling Elites in the Caspian States Justify Their Choice of Export Pipelines, **Journal of Eurasian Studies**, No. 6, pp. 107-113.
- Kasymov, Shavkat. 2012. «Statism in Russia: The Implications for US–Russian Relations», **Journal of Eurasian Studies**, No. 3 pp. 58–68.
- Kubicek, Paul. 2013. Energy Politics and Geopolitical Competition in the Caspian Basin», **Journal of Eurasian Studies**, XXX, pp. 1–10.
- Khatinoglu, D. (2014, November 17). Five Points of Iran- Azerbaijan Energy Cooperation. **Trend**.
- Smith Stegen, Karen & Julia Kuszniir. 2015. Outcomes and Strategies in the 'New Great Game': China and the Caspian States Emerge as Winners, **Journal of Eurasian Studies**, No. 6, pp. 91-106.
- Standish, R. (2014, June 19). Hungry for Gas, China Muscles onto Russian Turf. **Foreign Policy**.
- Zabortseva, Yelena Nikolayevna. 2012. «From the "Forgotten Region" to the "Great Game" Region: On the Development of Geopolitics in Central Asia», **Journal of Eurasian Studies**, No. 3, pp. 168–176.
- Zimmitskaya, Hanna & Geldern, James Von. 2011. Is The Caspian Sea a Sea: and why Does It Matter? **Journal of Eurasian Studies**.